

LOWY  
INSTITUTEپایان نمادگرایی  
در تقابل با طالبان

اواخر سال ۲۰۲۵، طالبان به یک پیروزی دیپلماتیک بی‌سروصدا دست یافت. تعطیلی سفارت دولت «جمهوری سابق» افغانستان در توکیو، نشان‌دهنده تغییری مهم در نحوه انطباق دموکراسی‌های متحد غرب با واقعیت‌های سیاسی کابل است. در ۲۶ دسامبر، سفارت افغانستان در ژاپن اعلام کرد که تمام فعالیت‌های خود را تا ۳۱ ژانویه ۲۰۲۶ متوقف می‌کند؛ تصمیمی که در راینزی نزدیک با وزارت امور خارجه ژاپن اتخاذ شده است. این اقدام می‌تواند نشانه‌ای از تمایل فزاینده برای قطع ارتباط با «جمهوری ازهم‌پاشیده» افغانستان، بدون به رسمیت شناختن حاکمیت طالبان باشد. ژاپن نخستین دموکراسی در نظام ائتلاف غرب به رهبری آمریکا است که با هماهنگی قبلی، حضور دیپلماتیک دولت پیش از ۲۰۲۱ افغانستان را رسماً منحل می‌کند. توکیو بدون اعطای شناسایی رسمی به طالبان، با این تعطیلی موافقت کرده است؛ اما در عین حال، دیگر به این توهم که دولتی که زمانی از آن حمایت می‌کرد هنوز در معنای سیاسی موجودیت دارد، دامن نمی‌زند. آنچه در حال بسته شدن است، صرفاً یک سفارتخانه نیست، بلکه یک تعهد نمادین به نظم سیاسی‌ای است که اکنون عمده‌تاً فقط روی کاغذ زنده مانده است. برای نزدیک به چهار سال، این نمادگرایی اهمیت داشت. حفظ سفارتخانه‌های دوره جمهوری به دموکراسی‌ها اجازه می‌داد تا طالبان را محکوم کنند و در عین حال از پیامدهای استراتژیک بازگشت آن‌ها به قدرت دوری گزینند. این وضعیت، مخالفت اخلاقی بدون تعامل و همبستگی با یک جمهوری سقوط کرده را بدون اعتراف به دائمی بودن فروپاشی آن ممکن می‌کرد.

اقدام ژاپن این رویکرد را متحول می‌کند و به‌طور ضمنی تأیید می‌کند که نمادگرایی دیگر نمی‌تواند جایگزین سیاست‌گذاری شود. تعطیلی این سفارت، آخرین مانع نهادی در مسیر عادی سازی روابط را از میان می‌برد. اگرچه این اقدام به منزله به رسمیت شناختن طالبان نیست، اما فرآیند شناسایی را از نظر اجرایی آسان‌تر می‌کند. این رویکرد ناشی از همدردی ایدئولوژیک با طالبان نیست، بلکه بازتابی از کنار گذاشتن این باور است که حکومت طالبان موقتی یا برگشت‌پذیر است. دموکراسی‌های بزرگ و کشورهای همسو با غرب به گونه‌ای رفتار می‌کنند که گویی طالبان یک واقعیت پایدار است. حمایت از جنبش‌های در تبعید یا اپوزیسیون نمادین، دیگر نه یک وظیفه اخلاقی، بلکه مانعی دیپلماتیک تلقی می‌شود که تعامل با کابل را بدون ارائه هیچ چشم‌انداز واقع‌بینانه‌ای برای تغییر سیاسی، دشوار می‌کند. ردویزای آمریکا برای احمد مسعود، رهبر جبهه مقاومت ملی افغانستان (NRF) و ممانعت از حضور او در یک نشست ضد طالبان، نشان می‌دهد که حتی مقاومت نمادین نیز اکنون به‌عنوان یک پیچیدگی غیرضروری تلقی می‌شود.

اقدام ژاپن در چارچوب یک الگوی گسترده‌تر از «قطع ارتباط نهادی و سپس بازنگری سیاسی» قرار می‌گیرد. هند سفارت جمهوری را در نوامبر ۲۰۲۳ تعطیل کرد و شرایط را برای انتصاب «مفتی نورا احمد نور» به عنوان کاردار طالبان در دهلی نو در ژانویه ۲۰۲۶ فراهم کرد. روسیه رسماً طالبان را به رسمیت شناخته و چین تعاملات گسترده‌ای از جمله تبادل سفیر و گسترش تجارت را دنبال کرده است. قدرت‌های دیگر منطقه‌ای از جمله ایران، پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی رویکردهای عمل‌گرایانه‌با اولویت امنیت و ثبات را در پیش گرفته‌اند. در مقابل، استراتژی غرب توخالی به نظر می‌رسد. تحریم‌ها و شرط‌گذاری‌ها نتوانسته‌اند رفتار طالبان، به‌ویژه در مورد حقوق زنان را تغییر دهند. آنچه حاصل شده، فرسایش مداوم نفوذ غرب و تراز شدن سریع‌تر کابل با شرکای غیرغربی است.

به رسمیت شناختن به ندرت در قالب یک اقدام واحد رخ می‌دهد؛ بلکه از طریق مجموعه‌ای از تعدیل‌های نهادی پدید می‌آید که رویه دیپلماتیک را با واقعیت سیاسی همسو می‌کند. تعطیلی سفارت جمهوری در توکیو یکی از این تعدیل‌هاست. دولت‌های غربی می‌توانند همچنان بر غیرقانونی بودن حکومت طالبان پافشاری کنند، اما نمادگرایی بدون استراتژی، هیچ قدرت چانه‌زنی‌ای ایجاد نمی‌کند. عادی‌سازی روابط از پیش آغاز شده است؛ تظاهر به خلاف آن، تنها باعث می‌شود این روند بدون هماهنگی، پاسخشگویی یا جهت‌گیری مشخص پیش برود.



تکس: Gettyimages

# تهدید مشترک خاورمیانه

## چرا کشورهای عربی دیگر خواهان حمله به ایران نیستند؟



محمد المصری  
استاد موسسه تحصيلات  
تكميلي دوحه

همین چند سال پیش، بسیاری از کشورهای عربی، به‌ویژه در کرانه خلیج فارس، از هرگونه حمله احتمالی ایالات متحده برای تغییر نظام سیاسی حاکم در ایران استقبال می‌کردند. این کشورها دهه‌ها بود که با سوءظنی بسیار عمیق به ایران می‌نگریستند و بسیاری از آنها تهران را تهدید اصلی منطقه می‌دانستند اما اکنون، درست‌در شرایطی که گزارش‌ها حاکی از این است که دونالد ترامپ برای حمله به ایران برنامه‌ریزی می‌کند، رهبران عرب (از جمله حاکمان خلیج فارس که مدت‌ها با تهران اختلاف داشتند) در حال رایزنی با دولت آمریکا هستند تا به ایران حمله نکنند. در طول ۲۷ ماه گذشته، رهبران کشورهای عربی شاهد تاخت‌وتاز اسرائیل در سراسر منطقه در راستای پروژه «اسرائیل بزرگ» بوده‌اند. اسرائیل بزرگ دیدگاهی توسعه‌طلبانه و مبتنی بر ایدئولوژی برای قلمرویی از رود فرات در عراق تا رود نیل در مصر است. در همین راستا، اسرائیل اشغال غیرقانونی اراضی عربی را به میزان قابل توجهی گسترش داده است. اسرائیل نه تنها در غزه دست به نسل‌کشی



زده و برنامه‌های خود را برای تصرف این منطقه نشان داده، بلکه جای پای خود را در کرانه باختری، سوریه و لبنان نیز محکم‌تر کرده است. شاید نگران‌کننده‌ترین اتفاق برای رهبران عرب، پس از ماه‌ها اعلام علنی جاه‌طلبی‌های توسعه‌طلبانه تانیا‌ها، حمله بی‌سابقه اسرائیل به قطر در شهریورماه سال جاری (سپتامبر ۲۰۲۵) بود. این تنش‌زایی تنها چند ماه پس از آن رخ داد که اسرائیل در خرداد و تیرماه سال جاری (ماه ژوئن)، آمریکا را متقاعد کرد تا با هدف نابودی برنامه هسته‌ای و تضمین باقی ماندن اسرائیل به‌عنوان تنها قدرت هسته‌ای منطقه، ایران را بمباران کند. به‌طور خلاصه، هدف اسرائیل برای سلطه مطلق منطقه‌ای هرگز تا این حد روشن نبوده است. حمله آمریکا به ایران، به معنای تداوم تجاوزهای اسرائیل و گسترش قدرت منطقه‌ای آن خواهد بود. این همان تغییر ساختاری است که باعث مخالفت اعراب با حمله احتمالی آمریکا و اسرائیل به ایران شده است.

اگرچه اسرائیل تلاش کرده خود را از حمله احتمالی آمریکا به ایران دور نشان دهد، اما شواهد نشان می‌دهد که این کشور فعلاً نه در حال دامن زدن به اعتراضات ضدحکومتی در خاک ایران است که به تسریع مداخله آمریکا کمک می‌کند. اوایل این ماه، هم مایک پمپئو، وزیر خارجه سابق آمریکا و هم آمیخای الیا‌هو، وزیر میراث اسرائیل، اشاره کردند که مأموران اسرائیلی در حال هدایت

جنبش‌های اعتراضی درون خاک ایران هستند. در همین حال، شبکه ۱۴ اسرائیل تلوياً اعلام کرده است که اسرائیل در حال ارسال سلاح برای معترضان مخالف است؛ کسانی که گزارش شده ده‌ها تن از پرسنل امنیتی ایران را کشته‌اند. این گزارش‌ها قطعاً توسط رهبران عرب در چارچوب تلاش چنددهه‌ای اسرائیل برای متقاعد کردن آمریکا به انجام عملیات تغییر رژیم در ایران و همچنین تاریخچه عملیات‌های مخفیانه آمریکا برای ایجاد آشوب در منطقه تفسیر خواهد شد.

اما فشار اسرائیل برای سلطه منطقه‌ای، تنها محاسباتی نیست که بر دیدگاه کشورهای عربی نسبت به درگیری میان ایران و محور آمریکا-اسرائیل تأثیر می‌گذارد. تحولات اخیر منطقه نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند. از سال ۲۰۲۳، ایران به شدت تضعیف شده است. تحریم‌ها اقتصاد ایران را فلج کرده و حملات مستقیم آمریکا و اسرائیل، توانمندی‌های نظامی و برنامه هسته‌ای این کشور را به خطر انداخته است. شبکه منطقه‌ای گروه‌های متحد ایران نیز تحلیل رفته است. بشار اسد در سوریه دسامبر ۲۰۲۴ سقوط کرد و حزب‌الله لبنان در برابر بمباران‌های مداوم اسرائیل آسیب‌های جدی دیده است. از دیدگاه دولت‌های عربی، تضعیف ایران باعث شده حملات بیشتر در منطقه غیرضروری شود و بلکه حتی باعث نتیجه معکوس شود. در واقع، در حالی که یک ایران ضعیف ممکن است قابل مدیریت و حتی مطلوب باشد، هزینه‌های فروپاشی کامل دولت ایران بسیار بیشتر از هر فایده احتمالی است. کشورهای حاشیه خلیج فارس برای حفظ امنیت منطقه‌ای و پیشبرد منافع اقتصادی خود به ثبات نیاز دارند. آن‌ها به‌ویژه نگران هستند که حمله به ایران و تلافی احتمالی این کشور چه تأثیری بر قیمت نفت و گاز طبیعی خواهد داشت. تلافی ایران احتمالاً تنگه هرمز را تهدید می‌کند که برای انتقال گاز و نفت حیاتی است. مصر نیز بیم آن دارد که فروپاشی رژیم در ایران منجر به بی‌ثباتی بیشتر در دریای سرخ و کانال سوئز شود که هر دو برای اقتصاد مصر حیاتی هستند.

همچنین شایان ذکر است که خود کشورهای عربی در سال‌های اخیر، تا حدودی به دلیل تجاوزات و توسعه‌طلبی اسرائیل، از نظر دیپلماتیک به ایران نزدیک شده‌اند. سعودی‌ها و ایرانی‌ها در سال ۲۰۲۳ روابط دیپلماتیک خود را از سر گرفتند و پس از حمله سپتامبر ۲۰۲۵ اسرائیل به قطر، به هم نزدیک‌تر شدند. رابطه ایران با مصر نیز بهبود یافته است. علاوه بر این، وقایع اخیر و به‌ویژه تجاوزات افسارگسیخته و گسترش قلمرو اسرائیل، باعث تغییر ساختاری در نحوه ارزیابی تهدیدات منطقه‌ای توسط کشورهای عربی شده است. آن‌روزهایی که عربستان سعودی ایران را دشمن شماره یک خود می‌دانست، با قطر عربستان را تهدید اصلی می‌دید، یا مصر قطر را منبع اصلی بی‌ثباتی می‌پنداشت، دست‌کم فعلاً به پایان رسیده است. احتمالاً به استثنای امارات متحده عربی، بقیه نظام‌های عربی منطقه اکنون به‌طور فزاینده‌ای اسرائیل را بی‌ثبات‌کننده‌ترین نیروی منطقه می‌بینند. توسعه‌طلبی اسرائیل، تمایل آن به حمله فرامرزی بدون توجه به هنجارهای بین‌المللی و تلاش آشکارش برای سلطه مطلق منطقه‌ای، اساساً نحوه ارزیابی ریسک توسط رهبران عرب را تغییر داده است. آن‌ها اکنون می‌ترسند که خود نیز در مسیر پروژه «اسرائیل بزرگ» باشند یا هدف بعدی اسرائیل قرار گیرند. سخنان ترامپ درباره تنش‌زدایی با ایران ممکن است همان چیزی را روشن کرده باشد که برخی تحلیلگران معتقدند برنامه همیشگی آمریکا بوده است: تحت فشار گذاشتن اقتصاد ایران، حمایت از معترضان در میدان و تلاش برای فروپاشی نظام سیاسی بدون پرداخت هزینه‌های مداخله نظامی مستقیم. اگر روند تنش‌زدایی ادامه یابد، رهبران عرب خوشحال خواهند شد؛ حداقل تا زمانی که تلاش بعدی اسرائیل برای تضعیف، بی‌ثبات‌سازی و تکه‌تکه کردن منطقه آغاز شود. طنز ماجرا اینجاست که جنگ طلبی اسرائیل (و جنگ طلبی آمریکا به تحریک اسرائیل) پتانسیل متحد کردن یک منطقه از هم گسیخته را دارد. هر چند این اتحاد ممکن است بر مبنای منافع مشترک نباشد بلکه دست‌کم بر اساس یک «تهدید مشترک» باشد.

### آگهی مفقودی

سندکمپانی، برگ سبز و تسلسل اسناد محضری سواری پیکان ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۱ شماره شاسی ۸۱۵۸۹۲۹۲ شماره موتور ۱۱۵۸۱۸۶۴۴ شماره پلاک ۷۳ ایران ۱۵۷ ق ۴۶ به نام غلامعلی سرانی گنجگان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

### آگهی مفقودی

سندکمپانی، برگ سبز و تسلسل اسناد محضری سواری پیکان ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۲ شماره شاسی ۸۲۴۵۲۲۱۷ شماره موتور ۱۱۵۸۲۶۲۲۸۴ شماره پلاک ۴۱ ایران ۸۹۷ ل ۴۶ به نام شهناز سلیمانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

### آگهی مفقودی

سندکمپانی، برگ سبز و تسلسل اسناد محضری سواری پراید LX مدل ۱۳۷۵ شماره شاسی ۰۰۸۳۴۲۲۴ شماره موتور ۰۱۴۱۲۲۷۴۵۰۸۶۳۴ شماره پلاک ۸۱ ایران ۴۹۷ س ۴۶ به نام نعمت اله آقایی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

### آگهی مفقودی

سندکمپانی، برگ سبز و تسلسل اسناد محضری سواری پیکان ۱۶۰۰ مدل ۱۳۷۵ شماره شاسی ۰۰۷۵۵۳۱۳۷ شماره موتور ۰۱۲۷۵۳۳۸۶۲ شماره پلاک ۷۱ ایران ۷۴۵ ج ۴۵ به نام شهین فلکی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

### آگهی مفقودی

سندکمپانی، برگ سبز و تسلسل اسناد محضری سواری پیکان ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۳ شماره شاسی ۰۸۳۴۱۷۲۱۰ شماره موتور ۱۱۲۸۳۰۲۶۹۴۱ شماره پلاک ۴۱ ایران ۲۱۹ س ۴۵ به نام علی اصغر آهنگرزاده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

### آگهی مفقودی

سندکمپانی، برگ سبز و تسلسل اسناد محضری سواری پراید صبا مدل ۱۳۷۹ شماره شاسی ۰۱۴۱۲۲۷۹۶۴۷۲۱۴ شماره موتور ۰۰۱۶۹۸۳۱ شماره پلاک ۷۳ ایران ۱۸۸ ب ۴۶ به نام مجتبی رستمی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

### آگهی مفقودی

سندکمپانی، برگ سبز و تسلسل اسناد محضری سواری پیکان ۱۶۰۰ مدل ۱۳۷۵ شماره شاسی ۰۰۷۵۵۵۷۰۰۵ شماره موتور ۰۱۲۷۵۵۶۲۷۳ شماره پلاک ۲۳ ایران ۸۷۸ س ۴۴ به نام سید علی اصغر احمدی شیخ شبانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

### آگهی مفقودی

سندکمپانی، برگ سبز و تسلسل اسناد محضری سواری پراید صبا مدل ۱۳۷۵ شماره شاسی ۰۱۴۱۲۲۷۵۵۲۱۹۰۴ شماره موتور ۰۰۰۲۲۳۳۶ شماره پلاک ۲۴ ایران ۹۳۷ ی ۴۵ به نام کیوان احمدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

### آگهی مفقودی

سندکمپانی، برگ سبز و تسلسل اسناد محضری سواری دوو اسپرو مدل ۱۹۹۳ شماره شاسی ۷۰۸۰۵۰ شماره موتور ۱۲۵۸۷۵ شماره پلاک ۶۳ ایران ۹۸۴ ق ۴۵ به نام خسرو فاخر مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.